



< رادیو زمانه > تاریخ : ۳ شهریور ۱۳۸۸

گفت و گو با دکتر پدram سلطانی، عضو هیأت مدیره ی اتاق بازرگانی تهران

« طرح بنگاه‌های زودبازده، نظام اقتصادی را مختل کرد »

مهمترین چالشی که دولت نهم با آن درگیر بود، مشکلات اقتصادی بود. تعویض پی در پی رؤسای بانک مرکزی، وزرای نفت و اقتصاد، انحلال شورای پول و اعتبار و سرانجام، انحلال سازمان برنامه و بودجه توسط دولت نهم، از نمودهای این چالش محسوب می‌شد. یکی از برنامه‌های اقتصادی که دولت نهم بر انجام آن اصرار داشت و به‌ویژه آن را حلال مشکل بیکاری می‌دانست، «طرح بنگاه‌های زود بازده» بود. طرحی که بر اساس آن، هیجده هزار و هفتصد میلیارد تومان اعتبار، برای تولید اشتغال، به افرادی واگذار شد. کارشناسان اقتصادی مستقل، از آغاز، به این طرح با بدبینی نگاه می‌کردند. اخیراً، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارشی در مورد عمل‌کرد این بنگاه‌ها منتشر کرده است که بر اساس آن، نسبت اشتغال انجام شده در این بنگاه‌ها، به تعهد ثبت شده‌ی آنان، کمتر از چهل و هشت درصد است. این چهل و هشت درصد، با محاسبه‌ی بنگاه‌هایی است که افراد شاغل در آن، بیمه نشده‌اند. به این ترتیب، اشتغال واقعی ایجاد شده، به کمتر از سی و هشت درصد می‌رسد.

با دکتر پدram سلطانی، عضو هیأت مدیره ی اتاق بازرگانی تهران و ایران، در مورد این گزارش و برخی مسایل مرتبط، گفت و گو کرده‌ام:

در آغاز گفت و گو، نظر آقای سلطانی را در مورد گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس می‌پرسم و این‌که آیا نتیجه‌ی اعلام شده، به لحاظ کارشناسی، مورد انتظار بوده است یا خیر؟

بله، ما هم بارها این هشدار را داده بودیم و اعلام کرده بودیم که این طرح بنگاه‌های زود بازده، طرحی است که جوانب کارشناسانه‌اش در نظر گرفته نشده است و بیشتر رویکرد عوام پسندانه دارد تا رویکرد اقتصادی و کاهش بیکاری. انتظاری غیر از این هم نداشتیم که با این شیوه‌ای که در پیش گرفته شده بود، شاهد انحرافی کمتر از این باشیم.

دلیل اصلی هم این بود که این طرح، افرادی را هدف گرفته بود که بسیاری از آنان تجربه و تخصص کافی برای ایجاد یک فعالیت اقتصادی و بنگاه اقتصادی را نداشتند.

به این ترتیب، چون تسهیلات و اعتباراتی بوده، عده‌ای آمده‌اند، آن‌ها را گرفته‌اند، بدون این‌که شرایط کارآفرینی را داشته باشند. همین‌طور است؟

دقیقاً همین‌طور است. داشتن سرمایه، صرفاً یکی از عوامل فعالیت اقتصادی و تولید است. با دادن وام به فردی که از بقیه‌ی عوامل آن بهره‌مند نیست، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که آن فرد بتواند این فعالیت اقتصادی را حتماً راه‌اندازی کند، به سودآوری برساند، اشتغال ایجاد کند و چند نفر را شاغل کند. این انتظار، اصولاً انتظار نادرستی بود. ولی این کار انجام شد و بدیهی بود که این حد از انحراف را داشته باشد.

دکتر پدram سلطانی، عضو اتاق بازرگانی تهران

در ارتباط با مسأله‌ی اشتغال، در گزارش مجلس و نیز در گزارشی که قبل از آن، توسط نیروی انتظامی منتشر شد، آمده است: «یکی از پرونده‌های در دست رسیدگی متعلق به فردی است که با گرفتن وامی به مبلغ شصت و هفت میلیارد تومان و سپردن تعهد برای به‌کار گرفتن بیست هزار شاغل، واحدی را با تنها سی کارگر روزمزد، بدون پوشش بیمه، اداره می‌کند.»

نکته‌ی دیگری در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس هست که با دکتور سلطانی مطرح می‌کنم و آن این‌که نه درصد استفاده‌کنندگان از تسهیلات بیمه، بیش از هفتاد و نه درصد کل تسهیلات را به خود اختصاص داده‌اند؛ یعنی مبلغی حدود چهارده هزار میلیارد تومان:

این هم یکی دیگر از انحراف‌های این طرح بوده است. یعنی تحت نام «زود بازده» که معمولاً در دسته‌ی بنگاه‌های کوچک و متوسط جا می‌گیرد و اصولاً میزان سرمایه‌گذاری بالایی در مقایسه با بنگاه‌های بزرگ اقتصادی ندارند و با استفاده از این اسم، عملاً فعالیت‌های دیگری شکل گرفته، وام‌های کلانی از بانک گرفته شده که حتا مشخص نیست، این وام‌ها وارد حوزه‌ی اقتصاد شده باشد.

ممکن است به چه مصرفی رسیده باشد؟

وام‌ها، به عنوان بنگاه‌های زود بازده گرفته شده، ولی مقدار زیادی از آن از بازار مسکن و در فعالیت‌های سوداگرانه سردرآورده است. یعنی نظام اقتصادی کشور را مختل و به اشتغال هم کمک چندانی نکرده است.

نکته‌ی دیگری که در گزارش مجلس و گزارش نیروی انتظامی آمده بود، احتمال استفاده از اسناد جعلی و فاکتورسازی، توسط بخشی از کارفرمایان بود...

در این باره، طبیعتاً کسانی که از این طرح‌ها بازرسی کرده‌اند، می‌توانند اظهار نظر کنند. ولی قطعاً پیش آمده است. اصولاً موقعی که طرح‌ها با انحراف مواجه هستند، یکی از آن انحرافات، همین سندسازی است که با توسل به ارائه‌ی اسناد و مدارک غیرواقعی سعی می‌کنند از این محل، تسهیلات یا وامی را اخذ کنند.

چون برای بنگاه‌های زودبازده، اصولاً وام‌هایی را با بهره‌های پایین در نظر گرفته بودند. این بهره‌ها، قابل مقایسه با نرخ واقعی سود در بازار امروز اقتصاد ایران یا بازار وقتی که آن وام‌ها را اختصاص می‌دادند، نبود و خود اخذ وام، یک رانت بود. حتا در شرایط کاملاً درست آن، یک رانت بود.

طبیعی است که ذهن افرادی که همیشه به دنبال استفاده از این فرصت‌ها هستند، در پی اتخاذ روش‌هایی برای استفاده از این رانت است. یکی از بدیهی‌ترین و معمولی‌ترین این روش‌ها، همان سند سازی است.

با وجود عدم ارتباط خیلی زنده و مستقیم اقتصاد ایران با بازار جهانی، بحران اقتصاد جهانی، به ویژه از راه تغییرات در قیمت نفت، بر ایران تأثیر گذاشت. الان صحبت از گشایش این بحران در غرب هست. آیا اقتصاد ایران تأثیرات تازه‌ی از گشایشی که در بازار جهانی ممکن است به وجود بیاید، خواهد گرفت؟ اساساً اوضاع اقتصادی ایران را در آینده‌ی نزدیک چگونه می‌بینید؟

اقتصاد ایران در حوزه‌ی بخش خصوصی، بیش از ورود دنیا به بحران هم در نوعی بحران به‌سر می‌برد. یکی از دغدغه‌ها و مشکلات همیشگی بخش خصوصی و ما که در اتاق بازرگانی نمایندگان بخش خصوصی هستیم، همین دادن هشدار به دولت بود، مبنی بر این که به جهت بالا بودن قیمت نفت، بخش خصوصی و بخش واقعی اقتصاد غیردولتی فراموش شده است. بنابراین، ما در آن زمان هم روزگار خوبی نداشتیم.

اما مسأله‌ای که هم‌زمان با بحران اتفاق افتاد، این بود که اصولاً مجرای ورود بحران به اقتصاد ما، در درجه‌ی اول، همیشه، نفت و قیمت نفت بوده است و پس از آن، تغییراتی که در قیمت‌های جهانی کالاها به وجود می‌آید، موجب افت صادرات غیرنفتی ما می‌شد.

هر دوی این بخش‌ها در زمان بحران به اقتصاد ایران هم منتقل شد؛ قیمت نفت به شدت پایین آمد، قیمت کالاهای صادراتی ما هم که عموماً فرآورده‌های پایه‌ی نفتی، پتروشیمی، محصولات معدنی و به طور کلی مواد اولیه‌ی فرآوری نشده هستند هم به شدت افت پیدا کرد و در این قسمت هم صادرات ما با کاهش مواجه شد.

الان هم که اثرات رفع بحران به تدریج در آمریکا و اروپا مشاهده می‌شود، هنوز اثرات خود را در اقتصاد ما نشان نداده است. چرا که در بخش صادرات، ما هنوز با کاهش صادرات مواجه هستیم.

در بخش نفت هم علی‌رغم این که قیمت‌ها از حداقل‌های خود در هفت هشت ماه گذشته که تا زیر چهل دلار هم آفت کرد، الان به بالای هفتاد دلار رسیده، اما به واسطه‌ی بودجه‌ی بسیار با کسری که در سال ۸۸ برای کشور بسته شده، حتا با این میزان درآمد هم جواب‌گویی هزینه‌های جاری دولت و بودجه‌ی دولت نخواهیم بود. بنابراین، افزایش قیمت نفت هم چندان کمکی به ما نمی‌کند.

ضمن این که اصولاً، در چند ماه گذشته، فعل و انفعالات دیگری در کشور رخ داده که خود آن‌ها برای این که ما را کماکان در بحران اقتصادی نگاه دارد، کفایت می‌کند.

اگر منظورتان رویدادهای سیاسی است، ممکن است نحوه‌ی تأثیر آن را در اقتصاد توضیح بدهید؟

طبعاً بسیار مهم بوده و تأثیر آن انکارناپذیر است؛ چون سرمایه‌گذاران، چه سرمایه‌گذار داخلی و چه خارجی را با تردید مواجه کرده است. سرمایه‌گذاری همیشه فضایی آرام را می‌طلبد و اقتصاد ما فعلاً از آن فضای آرام دور است.

به هر حال ما در بحرانی قرار داریم که حتا می‌توانم بگویم تشدید شده است و بخش خصوصی واقعاً نگران آینده است و نمی‌داند با این کلاف سردرگم و گره خورده‌ی اقتصاد، چگونه باید رفتار کند که از این وضعیت نابسامان رهایی پیدا کند.